

حکومت و مترجم امین حسیت و افکار جهان و جهانیان عنوان ریزی (میکروسکوب) حقیقی منافع و مضرات عمومی را مالک بالاستحقاق آمده که حائز اهمیت فوق‌العاده می‌باشد.

فرنگستان نتیجه خدمت مطبوعات را اینک دانسته، مطبوعات نیز نظر بدان استعدادات ترقی کامل حاصل کرده، قومیت و ملیت هر جنسی از تقدم آن، گام زن راه راست تمدن و ترقی گردیده‌اند، الحاصل هر دو طرف دست به دست یکدیگر داده به تعزیز مطبوعات و مطبوعات نیز به تعظیم ملت کوشیده‌اند.

و بارها این هیکل مقدس شریف مطبوعات نشانه بلایای حوادث زمانیه گردیده ولی با کمال نخوت و متانت سینه سپر صعوبات نموده، در تذلیل و تسخیر دشواریها از جان و دل کوشیده، تا از گیرودار این معرکه بیمناک رسته با نهایت ناز و تمکین بیرق فتح و نصرت را ربوده، مظفر و منصور از تندباد گرد کوارث جسته، در پیشگاه جهانیان اثبات استقامت و شجاعت و انانیت نموده است.

آفرین باد بر این همت مردانه او، آری مطبوعات تاریخ حاضر جنبش بشری نبوده، بلکه صورت مصوره سرگذشت جهان و جهانیان است، اما در بیان نمودن حقیقت احوال همان مصور اکبریو می‌تواند شد.

چنین هم هست

مطبوعات در سایه امنیت مواصلات و سهولت ارسالیات و نقلیات عالم مسالمت را یک ثمره لذیذه بوده، معلوماتی را که دانستن آن موقوف بر مساعی و رفع مشکلات و تمادی شهور و سنین بودی اکنون در لحظه‌ی به آن واحد بدون کلفت و مشقت به مشترکین خود تواند رسانید.

مطبوعات فذلکه علیای مجموعه صحیحه مناسبات دولیه افکار و حسیات مللیه مقاصد عظمای پادشاهان و امرای روی زمین بوده، در نهایت آسانی بدون هیچ اشکالات در توصیل اخبار وقایع شرق و غرب هموطنان و هم‌مسلمان خود را بدین خدمت منت داشت و آنان را به منزله‌ی یار وفادار بوده و خواهد بود.

مطبوعات رابطه‌ی اتحاد اهل مشرق به مغرب و عروه و ثقای اتصال سکان شمال با جنوب و آینه‌ی جهان‌نمای گفتار و کردار عالمیان و مترجم ضمائر آدمیان و واسطه تبادل



افکار و حسیات آنان باشد.

مطبوعات با صفات عالیه تحری حقیقت و نشر فضیلت و مجمع افکار و اخبار ملت و مجلای اراده طرق منفعت، تابع حکم مصنفات و مؤلفات بوده، مانند تصانیف خیریه، دلیل خیر و رهنمای پیشرفت امور است، هم در حضور خالق و هم در نزد مخلوق مظهر لطف و تکریم شده و معاذالله اگر ذره‌ای مشوب به شائبه اغراض نفسانیه و ره سپاریابان نفاق و شقاق آید، هم در دنیا و هم در عقبی مستحق لوم و عتاب و سزاوار همه گونه تحقیر و تریزیل بودنش را جای هیچ شبه و ارتیاب نمی‌ماند. **مطبوعات دوریه** را درجه و اهمیت و اعتنا از پایه مصنفات پست‌تر نبوده، به سبب فعلیت آثار و سرعت انتشار اخبار فوریه در اوقات خود از این جهت مالک اهمیت و اعتبار فوق‌العاده دیگر است.

مطبوعات از اختراعات جدیده فرنگستان نیست لکن فرنگان حق نعمت مطبوعات را خوب شناخته و از این حق‌شناسی نایل موفقیات و استفادات و استظهارات عظیمه شده‌اند.

نخستین روزنامه که در فرنگستان به نشر آن آغاز شده است آن روزنامه «الافرانس» بوده که مبدا ظهور و تاریخ حیات آن هنوز به سیصدسال نرسیده است، ولی **جریده رسمیه سلطنت فغفوریه** و حکومت خاقانیه در شهر **پکین (خان بالیغ)** پایتخت چین از یک هزار و پنج سال مستمر و برقرار است. می‌خواهم بگویم چنانچه مشرق زمین مهد نبوت و رسالت، مظهر غرایب همه گونه حکمت و مظهر عجایب همه قبیل فضیلت بوده است، هم چنان مبتدای طفل و جود جراید و روزنامه‌ها در مهد قدیم امهات کمالات اقطار شرفیه تربیت و پرورش یافته، سن صباوت خود را در آغوش آن مادر مهربان با کمال حسن تربیت و تهذیب اخلاق به سر برده، لکن در آغاز کامرانی از غرور جوانی دل از یار و دیار خویش برکنده، به حسب اقتضای عمر داغ فراق بر دل عزیزان خود زده و لگام سمنند جهان پیمای سبک سیر را به سوی غرب منعطف ساخته، اکنون در قصور معالی موفور فرنگستان با عرایس ابکار معانی بلند و با دوشیزگان افکار ارجمند هم آغوش و هم دست آمده است.

تنها به یک مملکت و کشور اکتفا نه نموده و به مسکنت یک قصر دلکش اعتنا نکرده، بلکه در اندک مدت درفش تعلق و تعشق خود را بر سر قصر جمیع زیبا رویان معالی و



معانی زده، اکنون با کمال تنعم و رفاهیت به عیش و نوش مشغول است. فی الحقیقه اگر به نظر حکیمانه کیفیت سیر طبیعی آنرا ملاحظه نماییم خواهیم دید که آنرا مرکز دیگر در نظر بوده، بلکه عبارت از یک حکومت مستقله قویه بوده که از متابعت اقوال و مطاوعت افعالش هیچ گردنکشی نتواند سرپیچیده و به واسطه قوت و استبداد رای خود چنان نفوذ بر افکار و عقول داشته که به اندک اشاره‌ای کفه تعادل ترازوی اعمال فرنگستان را تمایل داده که از غایت خلجان افکار و اضطراب حواس مرهمگنان (همگان) را نمونه محشر در نظر خواهد آمد.

آری، اگر چنین نبودی اکنون بیرق دول گمنام در اقصی بلاد آمریکا در غرنلاندا فراشته نشدی و احکام ملل بی‌مایه در آن سوی خط استوا در سواحل دریاچه نیانزا جاری نگردیدی.

این روزنامه مونیخ است که در آلمان چاپ شده ثروت اداره آن به سیزده کروور فرانک رسیده است و این جریده تیمس (تایمز) است که در لندن سالیانه پس از طرح مصارفات مکسب خالص آن به هشتصد و پنجاه هزار لیرای انگلیسی می‌رسد و هر کدام از ممالک صغیره و کبیره فرنگستان حاوی چندین هزار روزنامه روزی و هفته‌ای و ماهی بوده که در انگلستان به چهارهزار و در فرانسه به سه هزار و ششصد و در آلمان دوهزار و پانصد و در آمریکا متحده چهارهزار و سیصد می‌رسد و هم‌چنین دیگر ممالک که مزدوران (کارگران) و ارباب‌رانان را فرصت چاشت نبوده روزنامه‌خوانی را جزو اغذیه شمرده و هم‌چنین وزاری منصوب و معزول هر کدام تحریر یک روزنامه را در عهده خویش دارند.

(غامبتا) که به یک خطابه مایه انقلاب نقشه فرنگستان بودی، چنین گوید: ابنیه آبادی و اساس عمرانیت را سه پایه متین بوده که بدون آن سه ستون توقع ثبات و استحکام از آن بنیان نتوان داشت. اول (روزنامه)، دوم (خطابه)، سیم (تیاتر) که فرنگان در سایه این سه ستون فرمانروای مطلق جهان آمده، ملیت خویش را ثابت و سرفراز و دیگران را اسیر پنجه اقتدار خود نموده‌اند.

پس از آنجایی که در هر چیزی حق بدایت ما را بوده و همچنان در مسلک روزنامه‌نگاری با ثبات بلکه با حقیقت خود مقتدر آمده، فرنگان نیز در این قضیه و در تسلیم حق ما به جز از اذعان و اعتراف چاره دیگر ندارند. لکن در روزنامه نویسی اولاً تعیین مسلک، ثانیاً در



ستون چندی نیز برای سوال و جواب علمیه و فنیه معین نموده‌ام و بناً علیہ در راه خدمت منافع حکومت و مصالح قومیت در پیشرفت این کار بهروزی یار که بدل حیات و ذخیره عمر تلف شده من است، یاری و یآوری فضلالی مشرق زمین را آرزومندم.

آرزوی بزرگ از حضرات مشترکین و مخبرین روزنامه گرامی آنکه در اخبار حوادث و اشعار وقایع تامنتھی درجه تحقیق و تدقیق کوشیده از روی اغراض نفسانیت و بی‌مبالاتی (حاشا هُم عَنْ ذَلِك) نوشته ننویسند، بی‌موجبی، نیک نامان را بدنام و بدنامان را نیک‌نام نکنند، اگر چه این روزنامه را حسب التسمیه شیوه مخصوصی بوده که سر مویی از آن مشرب دوری نخواهد جست، ولی هم‌وطنان و هم‌مسلمانان راست که نیز بدین صفت متصف شده که مرا سپاسدار و شکرگذار افضال خود خواهند فرمود.

امضا و مهر اخبارنویسان و وقایع‌نگاران در اداره محفوظ بوده بدون اذن ایشان به‌اشهار اسم و رسم هیچ یک از آنان پرداخته نخواهد شد.

امیدوار از ایزد پاک آنم که بر توفیقم افزوده تا در پیشگاه عالم انسانیت از عهده عهد خود برآمده و این روزنامه‌ام در انتظار یار و اغیار، یگانه و بیگانه مطبوع و دلپسند آید. این روزنامه را به یاری خداوند در آینده بر حجمش افزوده تا باعث خشنودی مشترکین و مطالعین گردد. ■

محمد مهدی حکیم

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی





شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

